



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد



۲۰۲۶/۰۲/۳

محمد نعیم بارز

## یک چشم انداز مختصر بر انقلاب ننگین 1357 خمینی در ایران!

اگر در دیموکراسی، مدارا و تسامح به عنوان شیوه تعامل بکار نرود، در هر نظامی ادعای آزادی و دیموکراسی بی مفهوم است و چیزی جز یک آرایش ظاهری عوام فریبانه نخواهد بود، که زود یا دیر ماهیت آن برملا شده به سقوط مواجه میشود.

چنانکه در بناپارتیسم فرانسه که در واقع نوعی دیموکراسی خلقی و مبتنی بر رفتارندوم های پیاپی بود و یا در فاشیسم ایتالیا و نازیسم آلمان که نوعی دیموکراسی معطوف به آمریت اقتدار گرائی و تمامیت خواهی و یا دیموکراسی های توده ای چین و شوروی که از آغاز تا انتها مملو از خشونت و دیکتاتوری بوده اند.

در ایران محمد رضا شاه پهلوی که در اثر انقلاب دینی - مذهبی نوع خشونتزا آیت الله خمینی بوجود آمد، در آن زمان شرایط طوری بود که شاه از داخل در برابر بخشی مذهبی ها که هم حفظ فرهنگ و سنت های منجبت هزاران ساله را میخواستند و هم رفاه و آسایش زندگی بسوی اروپا و امریکارا، از سوی دیگر گروه های کمونیستی پیرو چین و شوروی با هر نوع برنامه های اقتصادی و اجتماعی شاه مخالفت مینمودند، تا آنجا که بعضاً در جهت بر اندازی رژیم شاه دست به عملیات تروریستی میزدند و خانه های تیمی ایجاد کرده بودند، در چنین اوضاع شاه، هم مرتکب یکسلسله اشتباهات شد که از داخل و خارج زمینه اغتشاش فراهم گردید:

۱ - در کادر رهبری حزب رستاخیز و نهاد های رهبری دولت بیشتر عناصر فرصت طلب و استفاده جو گماشته شده بودند.

۲ - شاه نا متناسب و بی رویه برنامه صنعتی کردن جامعه، و تقسیم اراضی را به راه انداخت که باعث بیکاری صد ها هزار دهقان گردید و توده های رو ستائی سیل آسا برای پیدا کردن کاری به شهر ها و بخصوص به شهر تهران رو آوردند و در نتیجه بزودی به نام سپا پاسداران نیروی طرفدار خمینی و بعد بحیث ستون فقرات نیروی حمایت حکومت جمهوری اسلامی و حاکمیت مطلق العنان علی اکبر خامنه ای تشکیل یافتند.

۳ - یک مقدار پول هنگفتی که قبلاً تحت عنوان اوقاف به امور مذهبی به آخوند ها پرداخت و بمصرف میرسید از سوی شاه قطع گردید که این هم در بر انگیزتن آخوند ها بی تأثیر نبود.

۴ - در آن دوران که بخش عظیمی از تحصیل کرده ها و روشنفکران جهان و منجمله در ایران هوا خواه کمونیسم و پیرو شوروی و چین بحساب می آمدند، شاه بجای براه انداختن مبارزه مسالمت آمیز و کشاندن مردم به سمت و سوی تفکر دیموکراسی و مسایل ملی نا سنجیده سیاست نسبتاً خشونت آمیز را در پیش گرفت.

۵ - رژیم شاه که در روابط اقتصادی، نظامی و سیاسی خود متکی به دولت ایالات متحده امریکا، انگلیس و دولت های دیگر غربی بود و در ارتش شاهنشاهی بیش از حد لازم مشاورین امریکائی اعمال نفوذ پیدا کرده بودند، با این وضع شاه برای جلوه دادن ژست بیطرفی خود در سیاست خارجی اش، سفری به شوروی نمود و با عقد دو سه قرار داد و خرید بعضی تجهیزات نظامی، پولیسی از جمله موتر های جیب روسی زمام داران دولت امریکا، انگلیس و دیگر دولت های غربی را علیه خویش تحریک و بر انگیزت.

۶ - در آن زمان که موضعگیری های شاه در سازمان اوپک در بلند بردن و پائین نگهداشتن قیمت نفت نقش و رول مهمی داشت، در آخرین مجلس سران اوپک اعلام نمود که ارزش نفت به بشکه دوازده دالر بسیار ناچیز بوده و کمتر از قیمت آب است، می باید در آینده به تدریج قیمت آن تا بشکه یکصد دالر برسد.

۷ - مریضی که عاید حال شاه شده بود، زمامداران امریکا میدانستند که شاه ایران بیش از یکی دو سال زنده نخواهد ماند، لذا در فکر جاگزین وی بودند.

اینجا بود که دولت های غربی و حامیان امریکا سخت تکان خورده و از شاه رو گشتاندن و در آنوقت که جیمی کارتر تازه بحیث رئیس جمهور امریکا به قصر سفید راه یافته بود راجع به آن مسایل نظر برژنسکی مشاور امنیت ملی را

د پانو شمیره: له 1 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de) یادونه: دلېکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

پذیرفت مبنی بر اینکه اگر یک رژیم مذهبی در ایران رویکار آید از یکسو از نفوذ کمونیسم در ایران و منطقه جلوگیری خواهد شد و از سوی دیگر با مذهبی ها سهل تر خواهند توانست قیمت نفت را به نفع خویش پائین نگهدارند. لذا آنچه به اختصار در بالا گفته شد رژیم شاه نه در اثر فقر جامعه و استبداد شاه بلکه در اثر بعضی اشتباهات خودش، و دخالت های ناشیانه آشکار و پنهان غربیها و تبلیغات عوام فریبانه گروه های مذهبی و چپی سقوط کرد و رژیم مذهبی به رهبری آیت الله خمینی جایگزین آن گردید.

و در آغاز که از سوی خمینی و دار و دسته اش وعده داده شده بود که هرگاه بقدرت برسند از حاصل فروش گاز و نفت ماهانه دوصد دالر به هر خانواده ایرانی میرسد و همچنان آب و برق مجانی می شود. اما همه وعده ها به اصطلاح و عده سر خرمن بود، در آن زمان با آنکه قیمت یک بشکه نفت 12 دالر بود و بعد در زمان رهبری خامنه ای به هشتاد نا یکصد دالر هم رسید و روزانه سه تا چهار میلیون بشکه تولید میگردید که بیشتر آن در خارج به دالر فروش می رسید.

مگر نه تنها چیزی نصیب مردم نمی شد بلکه ملیارد ها دالر حاصل آن صرف برنامه دستگاه اتمی و دست یافتن به سلاح اتمی شده که بیشتر به حساب روسها سرازیر گردیده و همچنان خرج تولید راکت یا موشک سازی شده که یک یخش آن همراه با صدها میلیون دالر نقد بدسترس تروریست های یمنی، حزب الله لبنان به رهبری حسن نصرالله، و به سازمان حماس و غیره یعنی نیروهای نیابتی می رسد تا علیه اسرائیل بکار برده شود.

بنابر آن در اثر بی کفایتی رژیم و چور و چپاول قدرتمندان سر انجام باگذشت 47 سال ایران بمثابه کشور دارای منابع سرشار و ثروت فراوان و میلیون ها کادر در زمینه های مختلف علمی و اجتماعی، متأسفانه کار بجایی رسید که از مردم توان خرید نان و آب هم و ادامه زندگی گرفته شد.

با اینحال مردم ناگذیر بارها به خیابان ها آمدند و صدای اعتراضات شان را بصورت مسالمت آمیز بلند کردند، اما صدای برحق مردم با خشونت لت و کوب و گلوله و زندان پاسخ داده. بویژه اخیراً که از سوی اپوزیسیون به رهبری شاهزاده رضا پهلوی مردم جهت اعتراضات شان فرا خوانده شدند که میلیون ها انسان و مرد و زن و طفل در همه شهرها شب و روز آمدند و شجاعانه سخن گفتند و شعار های چون مرگ بر خامنه ای و دیگر دار و دسته اش سر دادند .

بجای شنیدن خواست های برحق شان بسیار بیرحمانه و وحشیانه ده ها هزار زن و مرد و طفل ایرانی را به گلوله بستند و تا توانستند زخمی و زندانی کردند که همچو وحشت و بربریت در تاریخ هیچ کشوری از سوی حاکمیت علیه مردم اش دیده نشده است.

پایان



[آرشیف: مطالب نشر شده محترم محمد نعیم بارز](#)